

گرامی باد خاطره قیام (24) حوت مردم ولایت هرات !

قیام (24) حوت هرات یک رویداد مهم در تاریخ مبارزات خلقهای کشوراست. مردم ولایت هرات در این روز با اتحاد و همبستگی علیه رژیم مستبد و خونخوار خلقی پرچمیها قیام کردند و ضربات کوبنده ای بر آن وارد نمودند. این شورش در شرایط عینی ای بوقوع پیوست که زمینه های آنرا رژیم مزدوربا جنایت و کشتار، اختناق و استبداد و وحشت لجام گسیخته اش درکشور فراهم کرده بود. این شورش بحدی همگانی، سراسری و نیرومند بود که بنیاد حاکمیت ننگین باندهای رویونیست مزدوررابه لرزه درآورد. خلقی پرچمیها این جوجه فرعونهای حقیر و مزدور کرملین که تصوری کردند در سایه ای حمایت بداران روسی شان به حاکمیت پایه داری رسیده اند؛ ناگهان چنان در معرض طوفان خشم خلق قرار گرفتند که نشئه قدرت از سر آنها پرید و سوسیال امپریالیستهای روسی را پریشان و سرگیچه نمود. با آغاز قیام مردم دولت مزدور در هرات تمام قوای امنیتی اش رابه صحنه آورد و همه اعضای حزب مزدور سلاح برداشتند و در برابر مردم بیدفاع قرار گرفتند. این مزدوران خاین و جنایتکار در همان روز اول قیام صدها تن از مردم را که اکثریت آنها با دست خالی و مشت های گره کرده خشم خود را علیه رژیم فاشیست ابرازی کردند، وحشیانه کشتند اما نتوانستند جلوسیل خروشان مردم خشمگین و بیباک را سد کنند و سرانجام چنان در زیر ضربات کوبنده ای توده های مردم قرار گرفتند که چون موشهای وحشت زده سوراخ پنهان شدن نمی یافتند.

" شورش علیه هرنواحی برحق است"؛ مردم ولایت هرات بر اثر شدت ستم و استبداد و پیگرد و شکنجه و زندان و اعدامهای بدون محاکمه که توسط رژیم مزدور اعمال می شد و همچنین توهین و تحقیر و آزار و اذیت آنها، طغیان کردند. این شورش همگانی در نفس اش خودجوش بود، باین عبارت که هیچ نیروی سیاسی نه آنرا تدارک کرده بود و نه آنرا رهبری می کرد. این قیام بزرگ مردمی سرانجام توسط رژیم خونخوار بداران روسی اش و وحشیانه سرکوب شد و بیش از بیست هزار تن انسان بیگناه توسط رژیم مزدور به قتل رسیدند. از اینکه برخی از گروه های ارتجاعی اسلامی مدعی تدارک و رهبری این قیام شده اند ادعای کاملایی اساس و خلاف واقعیت است. البته بعد از وقوع کوتای ننگین (7) ژوئیه 1357 خورشیدی و بقدرت رسیدن باند رویونیست مزدور "خلق"، طیفهای های مختلف سیاسی درکشور که با این رژیم ضدملی و ضد مردمی و نوکرسوسیال امپریالیسم روسی مخالف بودند، در بین جامعه بر اساس خط ایدئولوژیک- سیاسی و اهداف خودشان تا حد امکان علیه رژیم کودتائی تبلیغ می کردند. ولی آنچه که زمینه و شرایط را برای این قیام شکوه مند و قیامها و شورشهای خودجوش دیگر توده های مردم آماده کرد؛ بیش از همه جنایات، ستمگریها و اجحافات رژیم علیه توده های مردم و سایر طبقات و اقشار اجتماعی بود. در آن زمان و شرایط هر قدر وحشت و اختناق رژیم در جامعه بیشتری شد تضاد توده های مردم با رژیم مزدور تشدید می گردید و از جانب دیگر روحیه ای همبستگی بیشتری بین طبقات مختلف اجتماعی، بوجود می آمد. گرچه رژیم کودتائی بنا بر اقتضای برنامه های اقتصادی و سیاسی خودش و نیاز سرمایه های سوسیال امپریالیسم روسی پاره ای از اصلاحات اجتماعی روبنای ونیم بند و اصلاحات ارضی بورژوائی و غیردموکراتیک را انجام داد و تکه زمینی به دهقانان بیزمین و کمزمین و کارگران فلاحتی داد و فکرمی کرد که با این اقدام حمایت اکثریت توده های مردم را نیز جلب خواهد کرد. اما برخلاف اینها کارگرنه افتاد و روزبه روز نفرت و انزجار مردم علیه رژیم خونخوار بیشتری گردید و شورشها و قیامهای سراسری علیه آن یکی پی دیگر در مناطق مختلف کشور آغاز شدند. قیام (24) حوت هرات یکی از این قیامهای خونین بود که ضربه ای سهمگینی بر پیکر رژیم دست نشانده وارد کرد که رژیم هرگز نتوانست دیگر کمر راست کند. قیام (24) حوت هرات بعد از قیام (12) حوت مردم ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان صورت گرفت و در فردای آن مردم ولایت باد غیس قیام کردند و به همین صورت آوای این قیام برحق مردمی به گوش توده های مردم در ولایات دیگر رسید و بر آنها اثر گذاشت و قیامهای چندی در ولایات و ولسوالیهای مختلف کشور صورت گرفت.

طوری‌که قبلاً تذکریافت این قیام خود بخودی بود ولی چنان همگانی و نیرومند بود که حاکمیت رژیم را برای چندروز بطور کامل در ولایت هرات ساقط کرد. بعد از سقوط حاکمیت حزب مزدور "خلق" در هرات مردم این ولایت با اتحاد و همبستگی بی نظیری از دست آورده‌های (مؤقت) قیام شان بیدریغانه حمایت می کردند. ولی از آنجایی‌که این قیام بزرگ و گسترده بدون رهبری آگاه مترقی و انقلابی بود، بعد از چندروز توسط رژیم مزدور و بادران روسی اش سرکوب شد. رژیم مزدور با تزویر و نیرنگ مردم هرات را اغفال کرده و از زمین و فضا شهر هرات را مورد تهاجم نظامی قرار داده و با کشتار هزاران تن قیام را سرکوب خونین نمود. در آن زمان و شرایط یگانه نیروی مترقی و انقلابی در کشور اعضا و هواداران جریان دموکراتیک نوین بودند که بخش‌های از آن در چوکات چند تشکل سیاسی فعالیت می کردند. باقی منسوبین آن جنبش بزرگ مردمی بدون سازمان و برنامه مبارزاتی و در حال پراکندگی بسر می بردند. از اینرو آمادگی فکری و تشکیلاتی لازم برای رهبری این قیامها و شورش‌های خودبخودی توده های خلق کشور را نداشتند؛ ولی در این قیامها و در مبارزه مسلحانه علیه رژیم مزدور و اشغالگران روسی در کنار توده های خلق قرار گرفتند. همه شاهد هستند که بعد از سرکوب هر قیام و شورش توده های مردم، رژیم مزدور وحشت براه می انداخت و هزاران تن را "بجرم" قیام علیه رژیم دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام نمود. لذا درسی که نیروهای سیاسی مترقی و مردم ما باید از شکست شورشها و قیامهای شان در سالهای اول و دوم بعد از کودتای منحوس (ثور) در ولایات مختلف کشور و بعد از آن ادامه مبارزات مسلحانه آنها طی 15 سال علیه این رژیم و اشغالگران روسی انجام داده اند، بیاموزند اینست که: مبارزات توده های خلق و لوهرفد رفاکارانه و خونین هم باشد، اگر اندیشه های مترقی و انقلابی در رهبری آن نباشد به پیروزی نمی رسند، بعبارت دیگر اگر توسط یک حزب و واقعاً انقلابی پرولتری رهبری نه شوند، یا توسط رژیم حاکم سرکوب می شود و یازیر رهبری نیروهای سیاسی ارتجاعی مذهبی و "غیر مذهبی" قرار گرفته و از مسیر اصلی آن به انحراف کشانده می شوند.

تجربه سی و پنج سال اخیر نشان داد که مردم ما بگونه خود جوش قیام کردند و مبارزه مسلحانه را بشکل جنگهای گوریلائی علیه رژیم مزدور و اشغالگران روسی به پیش بردند و برای یک و نیم دهه آنرا ادامه دادند؛ یک و نیم میلیون کشته دادند، بیش از یک میلیون تن معیوب و معلول جسمی و دماغی شدند، صد هাজার بیوه زن و یتیم بی سرپرست و گرسنه و بی سرپناه باقی ماندند و بیش از شش میلیون تن از مردم ما به کشورهای پاکستان و ایران آواره شدند، ویرانیها و خرابیهای گسترده در کشور بوجود آمد و انواع اجحافات و ستم و مظالم بر مردم ستم کشیده و مظلوم ما از جانب رژیم مزدور خلقی پرچمی ها و بادران روسی شان و گروه های ارتجاعی اسلامی بر آنها اعمال گردید. بعبارت دیگر توده های خلق ما در این جنگ و مقاومت بهائی سنگینی پرداختند. ولی از آنجایی‌که رهبری مبارزات آنها بدست نیروهای ارتجاعی اسلامی عقبمانده و مزدور امپریالیستهای غربی افتاد؛ نتیجه ای که از آن حاصل شد حکومت وحشت گروه های جهادی و ملیشه ای و خلقی پرچمی بود که در جنگهای غارتگرانه بین شان دمار از مردم کابل کشیدند و بیش از شصت هزار تن آنها را بقتل رساندند، شهر کابل را به ویرانه میدل کردند و حدود یک میلیون از ساکنان کابل در داخل کشور آواره شده و یاز کشور فرار کردند. بعد دوران وحشت حکومت قرون وسطائی طالبان آغاز شد و جنگ داخلی ارتجاعی و خانمانسوز بین گروه های جهادی و طالبان بوقوع پیوست و دور دیگری از کشتار و جنایت و غارتگری و ویرانی کشور و بربادی مردم آغاز گردید که برای مدت پنج سال ادامه یافت. به تعقیب آن تهاجم نظامی امریکا و ناتو شروع شد؛ کشور به اشغال نظامی و تحت سلطه استعماری امریکا و ناتو درآمد و دوران دیگری از بربریت و ادبار و جنایت و کشتار و تجاوز علیه خلق مظلوم و ستمدیده کشور آغاز گردید. دوازده سال است که کشتار مردم ما توسط ارتشهای اشغالگر و دولت مزدور و گروه های ارتجاعی و مزدور طالبان و گلب الدین و حقانی جریان دارد؛ امریکا و ناتو همه میهن فروشان و جنایتکاران و قاتلان مردم را در دولت دست نشانده ای شان متشکل کردند و بر مردم ما حاکم ساختند. تحت شرایط حاکمیت استعماری امریکا و ناتو مردم ما خاصتاً زنان از همه حقوق اجتماعی و سیاسی و انسانی شان محروم اند؛ ناامنی، عدم مسئولیت جانی و مالی، اختطاف و تجاوز به زنان و انواع جنایت و غارتگری در کشور بیداد می کند. این همه ستم و استعمار و غارتگری و تعدی از جانب ارتشهای اشغالگر و دولت مزدور و نیروهای وحشی طالبان، شرایط

عینی مساعدی را در کشور بوجود آورده است؛ اما آنچه که بعد از سی و پنج سال هنوز هم کمبود است یک حزب انقلابی پرولتری نیرومند است که بتواند شرایط ذهنی را در جامعه مهیا کرده و یک جنبش عظیم مترقی و انقلابی را بوجود آورده و توده های مردم را برای یک مبارزه همه جانبه سیاسی و نظامی علیه امپریالیستهای امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده بسیج و سازماندهی کند. این یگانه راهی است که توده های خلق ما از تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده و نظام فئودال کمپرادوری نجات حاصل کرده و بر سر نوشت شان حاکم خواهند شد.

24 حوت سال 1391 خورشیدی (14 مارچ 2013 میلادی)
(پیام آزادی)